



# کشته شدگان خیزش آبان و «دادگاه مردمی»! لندن

کارگران ضد سرمایه داری / آبان ۱۴۰۰

بشری» هستند. این افراد چه بسا اهل باورها، رویکردها، قطب بندی های مختلف و متضاد فکری، ایدئولوژیک، اجتماعی یا حتی طبقاتی باشند، بعضا شاید انسانهای خیرخواه و مبارزی هستند که می خواهند به هر شکل ممکن گشایشگر راهی برای طنین اندازی فریاد خشم شلاق خورده ستمکشان داغدار، در کوهسار سکوت زشت، سیاه و دهشت زای جهانیان گردند. عده ای هم حتما از سنخ، مسلک، طیف یا طبقات دیگر می باشند، این تمایزات به احتمال زیاد وجود دارد، اما یک همپوندی تعیین کننده و عامل هم در میان تمامی آنها حاکم است. نقطه اشتراک همگی ایمان محکم به تقدس!!، رهایی آفرینی!!، قدرت اعجاز و انسان محوری!! حقوق بشر سرمایه داری است!! از منظر این گروهها و افراد آنچه در جهان روز زیر نام دموکراسی، مدنیت، حقوق، آزادی، انتخاب مورد تأیید مراجع سیاسی و حقوقی است، همگی ولو معیوب، بالاخره انسانی هستند!! اگر لباس اجرا پوشند، معجزه می کنند، امنیت، آسایش، معیشت، رفاه، آزادی و حقوق انسانها را تضمین می نمایند!! از منظر اینان معضل دنیای موجود فقط تمرد چند دولت دیکتاتور از اجرای این قرارها، قراردادهای، اصول، کنوانسیونها است!! باید کاری کرد که این حکومت ها بر سر عقل آیند!! حقوق بشر را پاس دارند!! اگر چنین کنند دنیا آبادان خواهد شد!! به نظر می رسد که همین حد برای معرفی «دادگاه مردمی چرچ هاوس» کافی باشد. دادگاهی که بانیان، دادستانان، و کلا و قضاتش نظام بردگی مزدی را داربست حقوق انسانی و اراده آزاد بشر می

افشاء جنایات، نسل کشی ها، هولوکاست آفرینی ها یا آنچه که سرمایه و دولت های سرمایه داری بر سر انسانها می آرند مسلما حیاتی است. به ویژه اگر این افشاگری ها، به گونه ای و در سطحی، فریادهای در گلو خفه مانده مادران، پدران، خواهران و برادران داغدار هزارها انسان گرسنه عاصی تیرباران شده باشد. داغداران جگرخونی که خود به جرم پدر و مادر گرسنگان معترض مقتول بودن، سالها شکنجه شده، کتک خورده اند و در سیاهچاله فرسوده اند، بعضا دست به خودکشی زده اند و آماج تمامی بربریت ها و بشرستیزی ها قرار گرفته اند!!، شمار پدران، مادران، آشنایان داغداری که کل این درندگی ها و سبعیت های رژیم اسلامی سرمایه داری ایران را تحمل کرده و اینک برای پمپاژ خشم خون آگین خود، به «دادگاه مردمی»!! مستقر در «چرچ هاوس» روی نهاده اند، به هیچ وجه کم نیست. آنچه زیر نام «دادگاه» جریان دارد برای این ستمکشان نفرین شده عاصی صرفا جایی برای سر دادن فریاد و بیان دردهای رعب انگیز خود با انسانهای همدرد در چهار گوشه این دنیا است. بسیار بعید است که اینان از این سناریو انتظاری فراتر داشته باشند! و اگر داشته باشند قطعا توهم محض خواهد بود.

درمورد تشکیل دهندگان «دادگاه» ماجرا کم یا بیش متفاوت است. گروههای «عدالت برای ایران»، «حقوق بشر ایران»، «باهم علیه اعدام»، تیم ویژه دادستان ها، و کلائی مدافع و بالاخره قضات صاحب جاه، طیف گسسته ای از فعالان متفاوت موسوم به «حقوق

انگاردند! قله شکوه عدل و دورنمای عالی آزادی انسان را در آرایش، ویرایش، پالایش انسانی تر این دوزخ گند و خون و وحشت می کاوند!! اساس جدائی ۷ میلیارد سکنه کارگر کره زمین از کار خود و انفصال یا طرد مطلق این ۷ میلیارد انسان از هر نوع دخالت در سرنوشت کار، تولید و زندگی را قانون آفرینش و بنیان نظم عالم هستی می بینند!! دادگاهی که قضاتش و برگزارکنندگان حاضر به گفتن هیچ نکته ای در باره ارتباط ماهوی، آهنین، خلل ناپذیر و غیرقابل گریز موجودیت سرمایه داری با کل نسل کشی ها، جنایت ها، هولوکاست ها، گرسنگی ها، آوارگی ها، بی خانمانی ها، تبعیضات رعب آور جنسیتی، آلودگی های ویرانگر و بشریت بر بادده زیست محیطی، دیکتاتوری ها، کودک فروشی ها و بشر کشی ها نیستند. در باره این ارتباط سرشتی ارگانیک سکوت مطلق اختیار می کنند. رژیم اسلامی را نه دولت درنده و قتل عام آفرین سرمایه داری، نه ماشین جنایت، کشتار و توحش سرمایه، نه نماد طغیان فاشیسم هار دینی سرمایه داری که فقط مشتت آخوند دینمدار، بنیادگرا، اسلام سیاسی، افراطیون مذهبی، شریعت سالار، فراری از کنوانسیون های حقوق بشر و نوع این ها می خوانند.

شورش سرخ و پرافتخار آبان، طغیان خشم و قهر میلیون ها کارگر گرسنه عاصی علیه شدت استثمار سرمایه و سونامی فقر، فلاکت، گرسنگی، زن کشی، آپارتاید سرکش جنسیتی، بی آبی، اعتیاد، تن فروشی، کودک کشی و فرزند فروشی مولود سرمایه داری بود. رژیم درنده و بشرستیزی که هزار هزار این کارگران را به گلوله بست و تیرباران کرد نیز، فاشیسم اختاپوسی درنده اسلامی سرمایه، ماشین قهر، کشتار، سبعیت و قتل عام آفرینی نظام کارگرکش سرمایه داری است. «دادگاه مردمی آبان» بر روی این واقعیت های زمخت و وحشتناک پرده می اندازد.

«دادگاهی!» با این اوصاف چگونه می خواهد دادخواه هزاران کودک، جوان، پیر، زن و مرد کارگری باشد که در خیزش آبان با گلوله های داغ سرمایه و توسط وحوش خونخوار حاکم اسلامی سرمایه داری به خون غلطیدند!! این سناریو با این تعینات، سوای سرگرم ساختن توده کارگر و گمراه ساختن استثمارشوندگان عاصی داغدار چه کار دیگری قرار است یا می تواند انجام دهد؟! جز آن که دعای ندبه ای گردد در گوش ها تاز فشار خشم ها بکاهد، امامزاده ای که ظاهرا صدای بی صدایان است!! اما در همان حال و اساسا منادی دخیل بندی به نظام بانی و سرچشمه کل فاجعه های انسانی عصر است.

سرمایه داری ذاتا با تولید توهم عجین است و در سلول، سلول هستی خود محتاج توهم آفرینی و بازگونه پردازی است. بحث بر سر نیت خیر برخی آدمها نیست، راه جهنم نیز با فریباترین نیت ها فرش است. فرض ما آنست که در میان برگزارکنندگان، افراد مبارز انساندوست و مخالف خفقان، دیکتاتوری، ستمکشی وجود دارد. افرادی که آرمانهای انسانی هم دارند و برای تحقق این آرمانها هزینه می پردازند. در این تردیدی نیست اما آنچه «دادگاه مردمی» انجام می دهد، نه دادخواهی که خلق توهم و تخلیه قهرمادی رادیکال طبقاتی از وجود طبقه ای است که شورش سرخ آبان را برپا کرد. آبان که در خیزش آبان جان دادند کارگر بودند، علیه گرسنگی، فقر، بی خانمانی و ذلت مولود سرمایه داری شورش کردند. قاتل آبان سرمایه و رژیم درنده اسلامی سرمایه داری بود. این جنبش کارگری ایران و جهان است که باید به دادخواهی برخیزد، ریشه ای ترین و پرشورترین کیفرخواست های تاریخی را صادر کند و این دادخواهی و کیفرخواست سوای طغیان هر چه نیرومندتر پیکار رادیکال ضد سرمایه داری چیز دیگری نخواهد بود و نمی تواند باشد.

**آنان که در خیزش**

**آبان جان دادند**

**کارگر بودند، علیه**

**گرسنگی، فقر،**

**بی خانمانی و ذلت**

**مولود سرمایه داری**

**شورش کردند.**

**قاتل آبان سرمایه و**

**رژیم درنده اسلامی**

**سرمایه داری بود.**

**این جنبش کارگری**

**ایران و جهان است**

**که باید به دادخواهی**

**برخیزد، ریشه ای**

**ترین و پرشورترین**

**کیفرخواست های**

**تاریخی را صادر کند**

**و این دادخواهی**

**و کیفرخواست**

**سوای طغیان هر**

**چه نیرومندتر پیکار**

**رادیکال ضد سرمایه**

**داری چیز دیگری**

**نخواهد بود و نمی**

**تواند باشد.**